

روایت آتیه‌نواز کودکانی که در میان زباله‌ها دفن می‌شود

تغذیه مافیای پسماند از شیر ه جان زباله‌گردها

سال‌هاست از حضور کودکان زباله‌گرد -که تعدادشان هم در سطح شهرهای بزرگ کم نیست- تحت عنوان آسیب و معضل اجتماعی یاد می‌شود؛ اما به دلیل اینکه بخش غیررسمی حوزه پسماند کاملاً در اختیار مافیا قرار گرفته و راهکار مؤثری هم برای مبارزه با آنها اتخاذ نشده، برنامه عملی کارسازی نیز برای ساماندهی کودکان زباله‌گرد صورت نگرفته و روزبه‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. در این گزارش سعی کرده‌ایم تا بخشی از شرایط بحرانی زندگی کودکان زباله‌گرد را با حضور در کارگاه پسماند و گفت‌وگو با آنان مطرح کنیم.

گزارش

زباله‌گرد علاوه بر فشار ناشی از مشکلات روحی و روانی مورد آزار و اذیت و خشونت جسمی نیز قرار می‌گیرند اما اینها تنها بخشی از چالش‌های پیش‌روی کودکان زباله‌گرد است.

در همین راستا محسن کرمانی پژوهشگر حوزه اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با آتیه‌نو با اشاره به اینکه موضوع کودکان زباله‌گرد به یک پدیده اجتناب‌ناپذیر اجتماعی تبدیل شده می‌گوید: «زباله‌گردی از یک سو سلامت روان جامعه را دچار آسیب می‌کند و از سویی دیگر فعالیت آنها در جامعه موجب حاشیه‌سازی رسانه‌های بیگانه علیه نظام خواهد شد.»

وی در خصوص علت شکل‌گیری پدیده زباله‌گردی کودکان می‌گوید: «در قدم نخست باید بسترهای مساعدی که زمینه ایجاد و فعالیت کودکان زباله‌گرد فراهم کرده مورد بررسی قرار گیرد. یکی از موارد حائز اهمیت در کشور ما بازیافت با به‌کارگیری شیوه‌های سنتی است.»

کرمانی عدم آموزش و آگاهی مردم برای تفکیک زباله‌های تر از خشک و زمان خارج کردن آنها از منزل را معیاری برای سنتی رفتار کردن در این خصوص می‌داند و ادامه می‌دهد: «از دیگر مشکلات در زمینه پسماند شهری نیز وجود مخازن دربار در سطح کوچه‌ها و خیابان‌ها است که شرایط را برای فعالیت کودکان زباله‌گرد تسهیل می‌کند. مبلغی که کودکان کار در ازای جمع‌آوری و تفکیک زباله‌ها دریافت می‌کنند نسبت به سودی که پیمانکار از فروش آن به دست می‌آورد بسیار ناچیز است و همین امر باعث قدرت گرفتن مافیایی می‌شود که مانع از ایجاد بسترسازی برای به‌کارگیری فناوری‌های نوین بازیافت می‌شود.»

وی همچنین با تأکید بر نیروی کار ارزان بیان می‌کند: «غالب کودکان کار و زباله‌گرد تابعیت افغانی و پاکستانی دارند و توسط مافیا به صورت گروهی و غیرقانونی و قیمت بسیار اندک وارد کشور می‌شوند؛ چراکه برای آنها شرایط قانونی قرارداد کاری وجود ندارد و به‌کارگیری آن‌ها نوعی استثمار محسوب می‌شود.» به گفته این پژوهشگر اجتماعی، در مناطقی که نیروی کار افغان وجود ندارد، پیمانکاران حوزه پسماند نیز تمایلی برای فعالیت ندارند در واقع می‌توان گفت بین نیروی کودکان کار اتباع و فعالیت مراکز پسماند رابطه مستقیم وجود دارد؛ چراکه هر دو مولد یکدیگر هستند. البته مدت‌هاست موضوع تفکیک زباله از مبدأ و اصلاح زیرساخت‌ها مطرح می‌شود، اما در واقعیت هیچ اتفاقی تاکنون رقم نخورده است. مادامی که منافع عظیمی پشت الگوی سنتی بازیافت زباله و ورود غیرقانونی نیروی کار اتباع وجود داشته باشد این الگو هم تغییری نخواهد داشت؛ زیرا هر گونه نظارت و بررسی و حرکت اصلاحی در این خصوص بخاطر صورت گیرد توسط قدرتمندان و ثروتمندان ذی‌نفع منتفی خواهد شد و اتفاقی رقم نخواهد خورد.

کرمانی با اشاره به اینکه پرداختن به مقوله کودکان زباله‌گرد در کشور، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. عنوان می‌کند: «طبق ماده (۳) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، زباله‌گردی کودکان مصداق وضعیت مخاطره‌آمیز تلقی می‌شود و بر حسب ماده (۶) این قانون سازمان بهزیستی مکلف است با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش، نگهداری و توانمندسازی این کودکان اقدام کند، اما چون این کودکان اتباع هستند با توجه به اینکه سازمان بهزیستی تکلیف قانونی مشخصی در رابطه با اتباع غیرمجاز ندارد، از ارائه خدمات به کودکان زباله‌گرد معذور است و موارد را جهت تعیین تکلیف بر حسب ماده (۳۴) آیین‌نامه اجرایی ماده (۶) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به وزارت کشور ارجاع می‌دهد.» وی در پایان خاطرنشان کرد: «وظیفه نظارت بر پیمانکاران بازیافت زباله به منظور عدم بهره‌گیری از نیروی کار کودکان برعهده شهرداری است، اما به دلیل برخی ناهماهنگی‌ها، شرایط جهت سوءاستفاده از نیروی کار کودکان اتباع در فرایند تفکیک پسماند همچنان فراهم است و مقتضی است برای اتمام آن فکری اساسی صورت گیرد.»



قاچ‌خورد و کثیف پر از زخم‌اش نگاه می‌کنم که با آنها چشم‌های آسیب دیده‌اش را می‌مالد.

آسیب به سلامت زباله‌گردان

به گفته فعالان اجتماعی که به طور مداوم با این قشر میان زباله‌گردها تهدید وضعیت سلامتی آنهاست که به دلیل آسیب‌های متعدد فیزیکی ناشی از بریده شدن با شیشه و فلزات و انواع تیزی‌ها ایجاد و اغلب این زخم‌ها بدون هیچ دارو یا پانسمانی و به مرور زمان درمان می‌شود و بعضاً هم به دلیل تعدد زخم‌ها حس انگشتان از بین می‌رود.

پدیده زباله‌گردی موضوع امروز و دیروز نیست بلکه درد و چالش عمیقی است که سال‌هاست جامعه از آن رنج می‌برند و روش درمانی حتی پریسکی هم برای آن مطرح و یافت نشده است. البته این زخم کهنه چرکی گاهی سر باز می‌کند و همگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و داغی عمیق بر احساسات افکار عمومی مردم می‌گذارد و مجدد به فراموشی سپرده می‌شود. کار کردن کودکان از هر نوعی که باشد و متأسفانه آمار آن هم در کشور ما بسیار زیاد است، یک آسیب اجتماعی محسوب می‌شود و می‌توان گفت ریشه در عدم اشتغال مناسب، فقر، مهاجرت داخلی و خارجی، حاشیه‌نشینی و چرخه معیوب اقتصادی دارد.

در واقع به جای اینکه کودکان مورد توجه و حمایت قرار گیرند باید از حق بازی، حق تحصیل، حق بهداشت و بسیاری از حقوق دیگر برای تأمین معاش خود و خانواده‌های‌شان بگذرند که این مسأله موجب شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز می‌شود. این امر در شرایطی رقم می‌خورد که بر طبق قانون اساسی کشور دولت‌ها موظف هستند امکانات عادلانه زندگی را فراهم کنند و مانع از ایجاد هر گونه بهره‌کشی و محرومیت شوند.

از سویی دیگر، نه‌تنها در قانون کار بلکه در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک هم صراحتاً بر منع به‌کارگیری کودکان تأکید شده اما با وجود قوانین در سطح ملی و جهانی همچنان پدیده زباله‌گردی به وفور مشاهده می‌شود. آمارهای رسمی مدیریت شهری از فعالیت ۱۴ هزار زباله‌گرد در تهران حکایت دارد که با توجه به حجم بالای تولید روزانه زباله در تهران - بنا بر اعلامی که در سال ۹۹ شد که به ۸ تا ۸ هزار تن زباله در روز می‌رسد- از دو جنبه سود مالی حاصل از زباله‌گردی و تعداد افراد درگیر در این شغل قابل تأمل است.

کودکان در حالی قربانیان اصلی زباله‌گردی می‌شوند که کمترین و ناچیزترین سود و منفعت را جمع‌آوری «طلای کثیف» دارند.

آسیب به سلامت روان جامعه

بر اساس مشاهدات، درصد بسیار بالایی از کودکان

هستیم، هر چی می‌گیریم می‌فرستیم برای خانواده،» در پاسخ به این سؤال که شب‌ها کجا می‌خوابی به پله‌های آهنی زنگ زده که در گوشه سوله قرار دارد، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «بالای پله‌ها یک فضای هست که موکت دارد و شب همگی در کنار هم آنجا می‌خوابیم. البته تعداد ما بیش از این چیزی است که می‌بینید. بقیه بچه‌ها اول صبح برای جمع‌آوری زباله‌ها در خیابان‌های شهر رها می‌شوند و شب برای خواب و خالی کردن گونی‌ها به اینجا می‌آیند. البته اگر زنگ باشند در طول روز می‌توانند چندین بار گونی‌های‌شان را پر و خالی کنند و کمتر هم بازخواست شوند.» در حالی که پسر سکوت کرده و زخم نیمه‌خشک دستش را می‌کند به این موضوع فکر می‌کنم که مگر فضای موکت شده بالای پله‌ها چقدر است که این همه آدم در سائزهای مختلف در کنار هم می‌خوابند؟ اصلاً خوابیدن این همه آدم قدونیم‌قد در کنار هم چه آسیب‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

انگار ذهنم را از حالت نگاه متعجبم به پله‌های فلزی زنگ زده خوانده باشد، می‌گویند: «جای خواب ما خیلی تنگ است. حمام هم نداریم و گاهی برای توالت رفتن باید در صف بایستیم و بزرگترها برای انجام کارهای‌شان به ما زور می‌گویند و اگر گوش ندهیم اذیت‌مان می‌کنند.»

تخلیه چشم بیمار

صدای دستگاه‌های تفکیک زباله لحظه‌ای قطع نمی‌شود و من به احساس رضایت آنها باوجود بوی تعفن شیرابه، دست‌های آکنده از زخم تازه و کهنه و چرک، فضای تنگ خوابیدن و نبود حمام و محدودیت سرویس‌های بهداشتی فکر می‌کنم!

مردی کوتاه‌قد که به نظر یکی از چشم‌هایش بینایی کاملی ندارد به سمت می‌آید و می‌گوید: «خانم مهندس از کجا آمده‌اید؟ من هم مشکلاتی دارم و می‌خواهم با شما صحبت کنم.»

بدون اینکه چیزی بگویم، ادامه می‌دهد: «ما بیمه نداریم. چشمم به عمل جراحی نیاز دارد. دکتر گفته اگر تا دو هفته دیگر پول عمل جراحی چشمم را آماده نکنم دیگر کاری از دستش برنمی‌آید و مجبور به تخلیه چشمم می‌شود.»

از او در مورد اینکه چرا چشم‌اش آسیب دیده است، سؤال می‌کنم؟ در حالی که با نگاهی می‌خواهد ترحم بخرد، من را متوجه کش‌های پاره‌اش می‌کند و می‌گوید: «دکترها گفته‌اند به دلیل اینکه چشم‌ام عفونت داشته و به موقع مراجعه نکردم، دچار عفونت وخیم قرنیه و کم‌بینایی شدید شدم. می‌گویند از آلودگی زیاد چشم‌هایم عفونت کرده؛ اما من درد نداشتم، فقط چشم‌هایم خیلی خارش داشت و قرمز بود. احتیاجی به دکتر نداشتم تا وقتی که چشم‌هایم تار شد و مراجعه کردم.»

مرد جوان همچنان صحبت می‌کند و من به دست‌های

تصویر کودکان و افرادی که در اطراف سطل‌ها و هر جایی که تلی از زباله انباشته باشد با شنیدن واژه زباله‌گرد در ذهن تداعی می‌شود. معمولاً مشغول تفکیک محتویات درون مخزن و کیسه‌های انباشته از زباله هستند. دست‌وروی‌شان چرک و سیاه است و رخت کهنه و مندرس و پاره به تن دارند و گونی کثیفی سسنگینی را بر روی دوش حمل می‌کنند و یا اینکه آنقدر بر روی زمین می‌کشند تا به مقصد برسند. تصویری که روزانه در اقصی نقاط شهرهای بزرگ با آنها مواجه می‌شویم.

برای اینکه از نزدیک در جریان شرایط زندگی این گروه از جامعه قرار بگیرم با تمامی محدودیت‌هایی که وجود دارد به یکی از این کارگاه‌های پسماند که در جنوب شهر قرار دارد و از نیروی ارزان و در دسترس کودک بهره‌کشی می‌کند می‌روم.

کارگاه مورد نظر یک مکان به نظر ۵۰۰ متری که از مقابل در ورودی آن بوی تعفن ناشی از شیرابه زباله به مشام می‌رسد و با وجود داشتن دوتا ماسک حالم را دگرگون می‌کند. صدای همهمه کارگران با صدای دستگاه‌های تفکیک زباله ادغام شده و همین موجب تقطیع شنیده شدن صداها می‌شود.

داماد ۱۵ ساله

کف زمین از شیرابه زباله لیز است و کارگران نیز مشغول کار هستند. تعداد زیادی از آنها کودکان و نوجوانانی هستند که موهایی سرشان از شدت کثیفی به هم چسبیده و خاکی‌رنگ شده است. بدون دستکش و ماسک در لابه‌لای زباله‌های چرخ می‌زنند و فرایند تفکیک را انجام می‌دهند، یعنی زباله‌های تر را از خشک جدا می‌کنند و بازیافتی‌ها را روی صفحه تختی در گردشی که مقابل‌شان قرار دارد، می‌گذارند. کودکان تا زانوسو در زباله فرو رفته‌اند و از نظر آنها همه چیز عادی است!

نزدیک‌شان که می‌شوم، بوی شیرابه ترش شده زباله می‌دهند. دست‌های‌شان مملو از زخم و چرک و آبله است. البته صورت‌های‌شان هم خالی از خط‌وخش نیست. سعی می‌کنم به پسر نوجوانی که به نظر ۱۱-۱۰ ساله می‌رسد نزدیک و همکلام شوم. به سختی از پوسته سخت و خشنی که دارد خارج می‌شود و می‌توانم با او گفت‌وگو کنم.

می‌گویند سه سالی می‌شود که به همراه برادر، پدر و پنج پسرعمویش برای کار و تأمین هزینه معاش خانواده از کابل به ایران آمده است.

خودش می‌گوید ۱۵ سال دارد و چند ماه پیش نامزد کرده و باید تا پایان سال آینده هزینه همسرش را به پدرنش بدهد تا بتواند او را با خودش به ایران بیاورد. در خصوص شرایط و درآمدی که دارد از سو سؤال می‌کنم؛ اطرافش را با تردید نگاه می‌کند و وقتی مطمئن می‌شود کسی صدایی نمی‌شنود، می‌گوید: «بیمه که نداریم، اما حقوق‌مان خوب است و راضی



یاسمین بخشی

روزنامه‌نگار

غالب کودکان کار و زباله‌گرد تابعیت افغانی و پاکستانی دارند و توسط مافیا به صورت گروهی و غیرقانونی بسیار اندک وارد کشور می‌شوند؛ چراکه برای آنها شرایط قانونی قرارداد کاری وجود ندارد و به‌کارگیری آن‌ها نوعی استثمار محسوب می‌شود



قانون حمایت از اطفال و کودکان یاریگر مددجویان

مدیرکل بهزیستی استان زنجان گفت: «بهزیستی از محدود دستگاه‌هایی است که به طور مستقیم در مسائل مربوط به آسیب‌های احتمالی برای کودکان همچون کودکان کار، کودکان آزاری، فرار از منزل، کودکان در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی ورود می‌کند و در این مسیر قانون حمایت از اطفال و کودکان نیز یاریگر بهزیستی است.»

سلمان حسینی افزود: «بهزیستی با همکاری شرکای اجتماعی خود تلاش می‌کنند زمینه رفع بی‌توجهی و سهل‌انگاری، سوءرفتار، بهره‌کشی اقتصادی و غیره را در مورد کودکان فراهم کند.»

وی با اشاره به برنامه‌های بهزیستی در مورد حمایت از کودکان از جمله محیط دوستدار کودک گفت: «احترام به هویت مستقل کودکان و توجه به سن و جنس آنها، رعایت حق وابستگی کودکان، حفظ حریم خصوصی کودکان و رازداری و توجه به دیدگاه‌های کودکان از جمله اصول و مبانی فکری برنامه دوستدار کودک است.»

این مسئول ادامه داد: «ممانعت از هر گونه رفتار خشونت‌آمیز، تلاش برای بازپیوند به خانواده و بازتوانی خانواده به عنوان اولویت نخست در برنامه‌های توانمندسازی از دیگر برنامه‌های دوستدار کودک است.»

حسینی مرقبت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در خانه‌های شبانه‌روزی که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت دارند را یکی از حمایت‌های این سازمان عنوان کرد و افزود: «در مراکز بهزیستی علاوه بر نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست مقیم در خانواده جایگزین نیز به عنوان اندادبگیر حمایت می‌شود.» مدیرکل بهزیستی استان زنجان با بیان اینکه حساسیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت فردی تأثیرگذار است، خاطرنشان کرد: «بهزیستی تلاش می‌کند در صورت بی‌سرپرستی طفل و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری به کودک یا احتمال آسیب به سلامت اجتماعی، روانی، جسمی، اخلاقی و امنیتی کودک حمایت لازم را از آنها به عمل آورد.»

کودکان کار میهمان موزه تاریخ

همزمان با روز جهانی کودک تعدادی از کودکان کار از موزه تاریخ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازدید کردند.

طی این بازدید کودکان، هیجان تونل زمان را احساس و چگونگی پیدایش تاریخ را در سرداب موزه آموزش دیدند. سپس از دالان تنگ و رمزآلود رمپ عبور کردند و اطلاعاتی در مورد نجوم و ستاره‌شناسی را در اتاق کره آموختند. در ادامه این بازدید در سالن اصلی با انواع تمدن‌ها (مادها، ساسانی، هخامنشی و...) آشنا شدند و پس از آن با یادبودی کوچک و خاطره‌ای ماندگار با موزه تاریخ خداحافظی کردند. موزه تاریخ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از مراکز قدیمی این مجموعه است که در میدان شهدای تهران و ابتدای خیابان پیروزی واقع شده است.